



اخلاق اعتراض و معیارهای دوگانه لیبرال دموکراسی

آیا خشونت معترضان توجیه پذیر است؟

دانشگاه مینه‌سوتا یکی از کسانی است که گنج نظرش را در باب اخلاق اعتراض جویا می‌شود. هولتمن معتقد است درون اعتراض این انگیزه وجود دارد که پیام‌هایی مهم و بزرگ‌تر به مردم جامعه برسد و آن سبوق دادن مردم به تفکر بیشتر و همچنین تلاش در جهت جبران خطا. هولتمن همچنین در باب توجیه داشتن یا نداشتن خشونت سیاسی می‌گوید اعتراضی که جان و مال افراد یک جامعه را به خطر می‌اندازد این توان را دارد که ابزار خشونت باشد. اعتراض‌هایی از این دست، نکته و پیامی را به مردم جامعه و مخاطبان خود نمی‌رساند و افراد را به کنش‌هایی از سر ترس و دلهره می‌رساند و در این میان قدرت تحلیل و ارزیابی افراد جامعه را نیز نادیده می‌گیرد. باید به سه پرسش اخلاقی مهم توجه داشت پیام چیست؟ ارتباط میان پیام و نحوه کنش و رفتار مردم جامعه چیست؟ و در صورتی که پیام به دین شکل انتقال پیدا کند، چه هزینه‌های بدون توجیهی را می‌تواند در پی داشته باشد. پرسش دیگر این است که آیا این گونه روشی که به کار می‌ی‌ندیم ما را به هدف‌مان رهنمون می‌سازد یا اینکه دادگاه افکار عمومی به دلیل روش‌های به کار رفته آن را رد و بی اعتبار می‌داند؟ استاد دانشگاه مینه‌سوتا می‌گوید در صورتی که من خودم را تنها به دلیل اقدام تلافی‌جویانه درگیر گونه‌های شدیدتر اعتراض کنم، این کار نامش کینه‌جویی و انتقام است. من در مواجهه با یک کار غلط، از اصول عدالت تخطی کرده‌ام. رفتاری مانند این با آرمان و آرزوی بشری در باب توافق بر سر معیارهای اخلاقی برای کنترل رفتار سازگار نیست.^۷

پی‌نوشت‌ها

۱- نگاه کنید به مقاله‌ای مهم وبسایت نیویورک تایمز در ۳ جولای ۲۰۲۰ با عنوان «زندگی سیاهپوستان مهم است ممکن است بزرگ‌ترین جنبش در تاریخ ایالات متحده باشد» در آماری که این مقاله به نقل از موسسه Civis Analytics می‌آورد، تعدادی بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون نفر در سراسر آمریکا در اعتراض‌ها شرکت کرده‌اند. آماری که این اعتراض‌ها را به بزرگ‌ترین جنبش اعتراضی در تاریخ آمریک تبدیل می‌کند. نیل کارن، دانشیار دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل، که جنبش‌های اجتماعی در ایالات متحده را مطالعه می‌کند، بر این باور است که: «من هرگز گزارش‌هایی از مشارکت اعتراضی به این میزان برای یک موضوع خاص در مدت زمان کوتاهی ندیده‌ام.» درحالی‌که این احتمال وجود دارد که افراد بیشتری نیز معترض باشند، حتی اگر فقط نیمی از آنها حقیقت را گفته باشند، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیش از هفت میلیون نفر در تظاهرات اخیر شرکت کردند. در راهپیمایی زنان سال ۲۰۱۷ حدود سه تا پنج میلیون نفر در یک روز شرکت کردند، اما در آنجا یک رویداد بسیار سازماندهی شده بود. براساس نظرسنجی‌ها، در مجموع، اعتراضات اخیر «زندگی سیاهپوستان مهم است» ماهیتی ساختارمندتر دارد.

Black Lives Matter May Be the Largest Movement in U. S. History, By Larry Buchanan, Quoctrung Bui and Jugal K. Patel
https://www.nytimes.com/interactive/2020/07/03/us/george-floyd-protests-crowd-size.html
2- Jennifer Baker
3- https://www.psychologytoday.com/us/blog/the-lovewisdom/202007/is-it-ethical-protest
4- Camille Gage
5- https://minnesotareformer.com/2020/10/02/the-ethics-of-protesting-how-far-is-too-far-in-getting-your-message-across/
6- Sarah Holtman
7- https://minnesotareformer.com/2020/10/02/the-ethics-of-protesting-how-far-is-too-far-in-getting-your-message-across/

مدرسه همه‌ما در باب اعتراض‌های پیشین درس می‌گیریم، اما وقتی شروع به پیگیری اعتراضاتی کنید که درطول تاریخ ما ادامه داشته است، به‌نظر می‌رسد که به‌سختی زمانی را بدون آنها گذرانده‌ایم. مورخان و دانشمندان علوم سیاسی به‌زودی اعتراضات امروز را ارزیابی خواهند کرد، اما در این میان، نمی‌دانم آیا می‌توانیم درباره تصمیمی که هر شرکت‌کننده در یک اعتراض قبل از پیوستن گرفته است، فکر کنیم؟ اگرچه تحلیل‌های بعدی ممکن است این تصمیم‌ها را صرفا سیاسی به‌نظر بیاورند، آیا این تصمیم‌ها در زمانی که اتخاذ می‌شوند، یک موضوع اخلاقی شخصی نیستند؟ برای مثال هنگامی که اعتراضی در دسترس ما باشد، ممکن است تعجب کنیم که آیا درست است که به آن بپیوندیم یا خیر.» نویسنده مقاله هشدار می‌دهد که مساله امنیت خود و دیگران امری مهم است که افراد در لحظه پیوستن به اعتراض‌ها باید بدان توجه کنند. بکر بر این باور است که باید به اثر بخش بودن و سودمند بودن اعتراض‌ها نیز توجه کنیم. اینکه چه عواملی بر اثر گذاری یک اعتراض دخیل است. نویسنده معتقد است بحث «اخلاق فضیلت» می‌توانند کمکی باشد که تحلیل کنیم شخص در بزرگانه تصمیم‌گیری برای پیوستن یا نپیوستن به یک اعتراض چه رفتاری داشته‌باشد. او می‌نویسد: «من استفاده از اخلاق فضیلت را توصیه می‌کنم تا درباره تصمیم خود برای اعتراض یا عدم آن فکر کنیم. جسورانه‌ترین پیشنهادی که اخلاق فضیلت ارائه می‌کند، این است که سطحی از درک کاری که انجام می‌دهیم، یک درک شخصی، غیرقنی که به‌راحتی به‌دست می‌آید، به رفتار و درک درست‌ما کمک می‌کند.

معیار قابل فهم بودن، با چیزی که به‌طور منظم به ما انگیزه می‌دهد مطابقت دارد. درحالی‌که اکنون می‌دانیم که به‌طور منظم هنجارهایی را که فکر می‌کنیم باید از آن پیروی کنیم، به‌خودمان نشان می‌دهیم، اخلاق فضیلت از ما می‌خواهد که هنجارهای اخلاقی را در این مجموعه بگنجانیم. در این صورت حتی تعهدات سیاسی ما می‌تواند واضح‌تر شود و در بقیه طرز فکر ما در باره درست و غلط ادغام شود. اخلاق فضیلت‌آمیز باعث می‌شود این پرسش «درباره قتل جرج فلوید توسط پلیس چه کنیم؟» موضوعی شود که درمورد آن خود-راهنمایی کنیم. این اتفاق افتاد، حالا من چه کار کنم؟ پاسخ ممکن است چند چیز باشد، «همکاری با پلیس محلی» یا «توسعه سیاست استفاده از زور برای ایالت من» یا حتی چیزی منفعلانه مانند: «من از آن حمایت نخواهم کرد» اما مطمئنا «کشتار خیابانی در نقش عمومی غیرقابل قبول است» و«من در پاسخ اعتراض می‌کنم» موثر خواهد بود.»

بکر معتقد است که ما باید رفتارمان را در اعتراض‌ها کنترل کنیم و از نظر اخلاقی همواره به ماهیت اعتراض و نتیجه‌ای که قرار است در پی داشته‌باشد، توجه کنیم. نباید صرفا به‌دلیل دعوایی سیاسی اخلاق را از یاد ببریم. یک فرد اخلاق‌گرا وقتی اعتراض می‌کند تمام تلاش خویش را به کار می‌بندد که توجیه اخلاقی برای رفتارش داشته‌باشد، اخلاق فضیلت به‌خوبی می‌تواند این رفتار را نظم و سازمان دهد.

در یادداشتی دیگر کامیل گنج^۸ در مقاله‌ای در وبسایت MinnesotaReformer^۵ می‌نویسد: «از نظر تاریخی، موفقیت جنبش‌های اجتماعی در گرو تغییر افکار عمومی و در پی آن پشتیبانی مردم است. در پاره‌ای موارد دلیل آن این است که معترضان می‌توانند همراهی و همدلی عامه مردم را به‌دست آورند.... بهره بردن از ارباب، اعتراض شخصی و خشونت سیاسی به‌نظر یک بازی مخاطره‌آمیز است که می‌تواند در دادگاه افکار عمومی غیرقابل ارزیابی شود. با این همه، برخی این مسیر را آخرین راه قابل اجرا می‌دانند. حال باید پرسید که آیا ماهیت اعتراض تغییر می‌کند؟ آیا آرمان‌های گاندی و مارتین لوتر کینگ به یادگاری از گذشته تبدیل می‌شوند؟»

گنج در ادامه یادداشت خویش برای روشن‌تر شدن معنای تغییر در مخالفت عمومی معترضان، موضوع را با چند استاد و متخصص در این زمینه طرح می‌کند. سارا هولتمن^۶ استاد

طلب شفافیت و پاسخ روشن برای پرسش‌های خود را مطالبه می‌کنند، برخی از اندیشمندان و افراد سیاسی داخلی چشم‌به‌تسویه حساب‌های سیاسی و بازکردن زخم‌های قدیمی دارند و مصالح‌روز این جوانان را برای اهداف سیاسی خویش به‌گروگان می‌گیرند و بهایی‌گزار برای جوانان در صحنه و مطالبه‌گر به بار می‌آورد. اعتراض، پرسشگری و در صحنه بودن جوانان حق مسلم آنان و بیانگر جامعه و نسلی پویاست که باید قدر آن را دانست و در مسیر درست هدایت کرد. هم جوانان معترض و هم دولتمردان یک کشور باید با هوش سیاسی و درک درست شرایط دوره مدرن و نقش رسانه‌های جدید، از پدید آمدن چنین شرایطی به‌نفع رشد و پویایی ببیشتتر جامعه و اصلاح اشتباهات و مشکلات موجود در سپهر سیاسی و قانون‌گذاری بهره‌برند و اجازه ندهند که بیگانگان بسا معیارهای دوگانه خویش بر موج اعتراضات سوار و در خلأ گفت‌وگوی صمیمانه میان ملت و دولت، آتش بیار معرکه شوند و هدف‌های سیاسی خود را دنبال کنند. می‌توان قانون را بر صدر نشاند و هم زمان هم به دین توجه داشت و هم مطالبات جوانان را با عقلانیت و تدبیر به سامان رساند. می‌توان زیر بیرقی واحد و حکومتی دینی، به تمامی اقوام و اقلیت‌ها توجه داشت و خواسته‌های آنان را شنید و درکنار هم با آرامش و رفاه زندگی کرد. می‌توان اختلاف نظر را به رسمیت شناخت، صدای مخالف را شنید و هیچ برچسب و تهمیتی نیز به‌میان نیاورد. می‌توان با زمزمه محبت و مدارا کاری کرد که فرزندان این مرز و بوم آن اندازه به حکومت و رسانه‌اش اعتماد کنند که حتی ذره‌ای نخواهند گوش به دهان رسانه‌ای مزبور در آن سوی آب‌ها داشته‌باشند. این سرزمین از گذر رنج‌ها، مشکلات بسیار، ریختن هزاران هزار خون پاک، آن اندازه ریشه‌دار و توانمند شده است که خواب آشفته دشمنانش در باب تجزیه‌آن هیچ‌گاه تعبیر نشود، اما باید با عقلانیت و شناخت زمانه تلاش کرد که در چنین بزرگانه‌هایی کمترین هزینه برای جامعه پدید آید.

در ادامه و پیرو مطالبی که در باب اخلاق اعتراض در کشورهایی مانند آمریکا مطرح شد به دو نمونه از مقالات اندیشمندان در این موضوع توجه می‌دهم:

۲۷ جولای ۲۰۲۰^۱ مقاله‌ای توسط جنیفر بکر^۲ استاد دانشگاه چارلستون با این عنوان «آیا اعتراض اخلاقی است؟» در وبسایت «Psychology Today» انتشار یافت. نویسنده در این مقاله تصمیم افراد برای پیوستن به این اعتراض‌ها را از نظر اخلاقی بررسی می‌کند.^۳ بکر می‌نویسد: «اعتراضات علیه قتل جورج فلوید بزرگ‌ترین اعتراض (از نظر تعداد و اندازه‌های دیگر) در تاریخ ایالات متحده بوده است. تخمین می‌زنند که ۱۰ تا ۲۶ میلیون نفر به این اعتراضات پیوسته‌اند. این اعتراض‌ها در بیش از ۴۰ درصد از شهرستان‌های ایالات متحده نیز رخ داده‌اند. البته تاریخ ایالات متحده می‌تواند مانند یک داستان بی‌پایان از اعتراض‌ها به‌نظر برسد. در

بی‌اندازه سودمند و درس‌آموز هست، اعتراض‌های سراسری اخیر در آمریکا است. اعتراض‌هایی که به‌باور عده‌ای بزرگ‌ترین جنبش اعتراضی در تاریخ آمریکا بوده است.^۱ در اعتراض‌های آمریکا در دهه ۶۰ میلادی سخن بر سر جمعیتی چندصد هزار نفری است اما در این اعتراض‌های اخیر جمعیتی میلیونی وجود دارند و پراکندگی آن نیز ایالت‌های بسیاری را در بر گرفت. باری، این اعتراض‌ها در میان جامعه نخبگان آمریکا تحلیل‌های بسیاری برانگیخت. بسیاری از اساتید دانشگاه بر ضرورت همدلی میان مردم و شنیدن صدای آنها از طرف حکومت تاکید کردند و در این میان البته هر نوع خشونت‌ی را نیز محکوم می‌کردند. پلتفرم‌های مختلف اجتماعی نیز در همین راستا از نشان دادن عکس‌ها و فیلم‌های خشونت‌آمیز امتناع کرده و آن را مخالف سیاست‌های اخلاقی خود قلمداد می‌کردند. آنها همچنین صفحه‌های کسانی را که بر آتش خشونت می‌دیدند به‌راحتی می‌بستند حتی اگر آن شخص رئیس‌جمهور یا یک سناتور معروف باشد.

در این بین اندیشمندان نیز در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و هرکس به‌فراخور رشته خویش سعی می‌کند به‌شکلی در آرام کردن جامعه حتی با نقدی مشفقانه و از سر دلسوزی که در نتیجه به‌نفع جامعه است، به فرونشاندن آتش و غبار آشوب کمک کند. این همکاری میان دولت، اندیشمندان، نخبگان سیاسی و وزنه مهمی مانند رسانه‌های جدید دست به‌دست هم داده و نرم‌نرم‌ک آرامش را به ارمان می‌آورد. باری، امکان دارد این اقدامات تنها مرهمی مقطعی برای مشکلات بنیادین جامعه‌ای مانند آمریکا و ریشه‌پاره‌ای از آشوب‌ها بسیار عمیق‌تر باشد و به ماهیت حکومت داری یک نظام سیاسی برگردد، اما به هر رو، امروزه لیبرال دموکراسی با اتوسل به همین داشته‌های خود، جامعه را آرام کرده و اجازه نمی‌دهد که در بستر تظاهرات و اعتراض‌های خیابانی، آشوب یا نا امنی و هزینه‌های گزاف بر حکومت تحمیل شود.

حال به‌بخورد همین دولت‌های لیبرال و رسانه‌ها و اندیشمندان آنان با رخدادهای سیاسی در کشورهای مستقل در آن سوی مرزهایشان نگاه می‌کنیم. گویی قاعده زرین اخلاق را به کناری نهاده‌اند و آنچه را برای خود می‌خواهند به هیچ رو برای کشورهایی که شعار استقلال و آزادی و عدم وابستگی سر می‌دهند، نمی‌خواهند. رسانه‌هایشان با تلاشی مضاعف از نشان دادن هیچ گونه خشونت عربان و محتوای آسیب‌زننده‌ای دریغ نمی‌کنند. گویی همه معیارها تغییر می‌کند، سخنی از اخلاق اعتراض و امنیت شهروندان جامعه به میان نمی‌آید، قلاب و نمایی که به جوانان و فرزندان معترض و حق‌جوی این کشورها نشان می‌دهند تنها به برافروختن آتش و دود در هر کوی و برزن کمک می‌کند، بی‌آنکه بگویند این قاب و نما تنها بخشی از تابلوی وسیعی است که انتهای آن شخص نیست و نمی‌توان پیش‌بینی کرد سرنوشت کدام یک از کشورهای آشفته روز خاورمیانه یا آفریقا در انتظار چنین اقداماتی است. همان‌ها که در رخدادهای آشوبناک کشور خود، توبیت‌هایی مداراچویانه داشتند و عقلانیت و خرد را توصیه می‌کردند یکباره به فرزندان این سوی دنیا نحوه تهیه سلاح و مواد آتش‌زا آموزش می‌دهند و این را در راستای آزادی و کمک به جنبش مردم می‌دانند. مقالات سیاسی و فرهنگی‌شان در مجلات معتبر دانشگاهی و دیگر رسانه‌ها در راستای تئوریزه کردن خشونت در کشورهایی هست که سودای استقلال دارند و تن به وابستگی و تغییر سیاسی نظام‌های خود نمی‌دهند. آنان که در پاره‌ای موضوعات حساس و کلیدی، دهان منتقدان، استاد دانشگاه، دانشجو، فعال سیاسی، فیلمساز و... را با خشونت هرچه تمام می‌بندند، پناهگاه و آغوش امن کسانی می‌شوند که نه منتقد، بلکه آشکارا درصدد براندازی حکومت و تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده بر مردم یک کشور هستند. باری معیارهای لیبرال دموکراسی یکسره دوگانه است و آنچه برای خود می‌خواهد برای دیگری نمی‌پسندد.

اما در این میان مشکلی دیگر نیز پدیدار می‌شود، در بزرگانه‌هایی که جوانان یک کشور پرسش و شبهه دارند و از حکومت خویش



محمد سعید عبداللهی

دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق

اعتراض و مطالبه قشعرهای گوناگون مردم در باب پاره‌ای از نابسامانی‌ها و مشکلات در ساحت‌های مختلف جامعه، امری بدیهی و پذیرفته‌شده در هر نظام سیاسی کارآمد و پویا در سرتاسر جهان است. نظام‌های سیاسی مختلفی در گوشه‌گوشه جهان وجود دارند که برای سالیان دراز مشق دموکراسی و حکومت‌داری می‌کنند، تاآنجا که برخی از آن کشورها را به‌ظاهر «مهد آزادی» می‌خوانند. اما نکته‌ای که در این کشور‌های به‌ظاهر آزاد و توسعه‌یافته امری بدیهی و روشن است، مخالفت با هرگونه آشوب و جنگ خیابانی است. در هیچ کجای دنیا و هیچ حکومتی، دولتمردان و اداره‌کنندگان حکومت، تاب‌وتحمل اندکی آشوب و خشونت را در سطح جامعه و خیابان ندارند. بساری، اعتراض‌های مدنی و مطالبات مردم، حتی در سطح خیابان و مادامی که بستری برای آشوب نباشد، نه‌تنها پذیرفته و قانونی است که می‌تواند نشانی از پویایی جامعه و در پی آن تلاش برای رفع مشکلات و گشایش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. فرهنگ شنیدن صدای مخالف، روادار بودن پیرامون نظرهای مخالف و به‌طور کلی اختلاف نظر، باید در سپهر سیاسی کشورها محترم شمرده شود و به هر اندازه که باب گفت‌وگو میان حکومت و جامعه بسته شود، باید به‌دنبال تبعات برخاسته از آن و شکاف‌های برآمده از این اشتباه بود. بنابراین حکومت‌ها وظیفه دارند با بردباری و محترم شمردن حق اعتراض برای مردم یک جامعه به بقا و کارآمدی بیشتر خود کمک کنند. از طرفی وظیفه مردم یک جامعه نیز در بزرگانه‌های سیاسی موجود حکومت‌ها باید تبیین شود. یکی از مسائل مهم در این باب «اخلاق اعتراض» است.

با نگاهی به تحولات و بررسی آشوب‌های مختلف در آمریکا و کشورهای مختلف اروپایی، نکته‌ای روشن را درمی‌یابیم. هر جا که اعتراض‌های مردمی از بسستر اصلی خود دور می‌شود و رنگ‌وبوی آشوب می‌گیرند، افرون بر برخورد قاطع حکومت که در پاره‌ای موارد نام سرکوب بر آن می‌توان گذاشت، برخی از اندیشمندان، تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان اصلی جامعه، سخن از اخلاق اعتراض، پرهیز از خشونت، رواداری مردم نسبت به حکومت و سخنانی از این دست می‌زنند، برای نمونه به اعتراض‌هایی که در دو دهه گذشته در دو کشور انگلستان و فرانسه رخ داده است، نگاه کنید. فارغ از نحوه برخورد پلیس با مردم، مقالات و یادداشت‌های قشر فرهیخته و حتی مخالفان ساختار سیاسی این دو کشور را رصد کنید. این موارد را اضافه کنید به این نکته که دو کشور یادشده از سوی دیگر قدرت‌های متخاصم احاطه نشده‌اند، ساختار امنیتی بالایی دارند، سال‌هاست که مشق سیاست می‌کنند و حکومت‌هایی نو پانیسند و بی‌شمار رسانه مخالف کارزاری نمایان برای براندازی حکومت‌هایشان به راه نینداخته‌اند. با این همه، کافی است که بویی از آشوب و خشونت بشنوند تا پلیس فرانسه با اسب از روی جلیقه زرد‌ها رد شود یا پلیس انگلستان ماه‌ها بعد از آشوبی می‌دانند در زمانه جدیدی که در آن به‌سر می‌بریم، پاره‌ای از تحولات اجتماعی قابل پیش‌بینی نیستند و برافروختن پرچمی در گوشه‌ای از خیابانی فرعی، شاید در ادامه سوختن بنیان‌های همان لیبرال دموکراسی حتی در کشوی مستقل و امن را در پی داشته‌باشد. نمونه‌ای دیگر که توجه به آن و رصد و تحلیل پیامدهای آن و چگونگی مواجهه افشار مختلف با آن